

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

صص ۱۶۰-۱۳۶

روند مواجهه آمریکا و اتحادیه اروپا با تروریسم

از ادراکات متفاوت تا همکاریهای مشترک

دکتر فرهاد درویشی* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

عزیزالله حاتم‌زاده - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات اروپا، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۱۷

چکیده

حملات ۱۱ سپتامبر و اهمیت یافتن بیش از پیش تروریسم برای آمریکا و اتحادیه اروپا، دو طرف را وادار نمود که برخورد جدی‌تری با این مسأله داشته باشند. این موضوع باعث شد تا دو طرف بر تقویت همکاری در مبارزه با تروریسم تأکید کنند. از سوی دیگر، رویکرد دو طرف به تروریسم کاملاً یکسان نبود و این موضوع اختلافاتی در بین دو طرف برانگیخت. در این پژوهش سعی شده است تا با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی و بررسی و مقایسه استراتژی‌ها و سیاست‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال تروریسم در یک دهه گذشته، میزان همکاری و اختلاف آنها در این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یافته‌ها حاکی از آن است که در ابتدا چون ماهیت تهدید جدید (تروریسم) چندان روشن نبود، اروپا و آمریکا تعریف و درک یکسانی از این تهدید نداشتند و همکاری و اجماع آنها در زمینه مبارزه با تروریسم تا حدودی با دشواری مواجه شده بود، اما با گذشت زمان و بر مبنای اصل واقع‌گرایی تدافعی که وجود «تهدید مشترک» باعث تقویت همکاری خواهد شد، به تدریج موجب افزایش همکاری اروپا و آمریکا در مقابله با تروریسم و نزدیک شدن رویکردهای آنها به یکدیگر بوده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، تهدید، تروریسم، واقعه ۱۱ سپتامبر، آمریکا، اتحادیه اروپا.

* E-mail: fdarvishi@ikiu.ac.ir

۱- مقدمه

بررسی وضعیت حاکم بر جهان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشانگر این واقعیت است که هویت مفهومی امنیت دچار دگرگونی ساختاری شده است. امروزه بازیگران بین‌المللی دچار سرگیجه خاصی هستند. هنوز راهکارهای لازم برای مبارزه با تروریسم پیچیده و لجام گسیخته به‌جایی نرسیده، دزدیهای دریایی تمام برنامه‌های مربوط به امنیت جهانی را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌اند (Yazdan Panah, 2009: 104). پس از گذشت یک دهه از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، موضوع تروریسم از اهمیت بسیار بالایی در استراتژیهای امنیتی آمریکا و اتحادیه اروپا برخوردار شد. در طول یک دهه گذشته بخش اعظمی از مذاکرات، توافقات و اختلافات آمریکا و اتحادیه اروپا مربوط به تروریسم و نحوه مقابله با آن بوده است. در طی این سالها اگرچه دو طرف نسبت به اهمیت موضوع تروریسم و ضرورت مقابله با آن اتفاق نظر داشتند، اما مسائل گوناگون در این زمینه (تعریف تروریسم، اصلی‌ترین ابزار مقابله با آن، پیوند تروریسم و اسلام، حقوق بشر و آزادی‌های فردی، همکاریهای سیاسی، نظامی، پلیسی و قضایی و ...) رسیدن به اجماع و توافق دو طرف را دشوار ساخته بود.

حملات ۱۱ سپتامبر اگرچه تنها در ایالات متحده اتفاق افتاد، اما یکبار دیگر مفهوم «غرب» را، که پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد کمرنگ شده بود، تا حدودی احیاء کرد. این حملات باعث شد که تصور وجود «دیگری» برای غرب تقویت شود و بر لزوم همبستگی و انسجام در مقابل آن تأکید گردد. بازتاب این موضع، گسترش دیدگاههای اسلام‌ستیزانه و افزایش فشار بر مسلمانان بویژه در اروپا و آمریکا بود. آمریکا و اتحادیه اروپا بارها بر ضرورت مبارزه جدی و اساسی با تروریسم و بنیادگرایی (اسلامی) تأکید کرده و کوشیدند تا در این راه از طریق تبلیغات گسترده از حمایت کامل مردم خود نیز برخوردار شوند. چند موضوع باعث می‌شد که آمریکا و اتحادیه اروپا برای افزایش همکاری و اتخاذ موضع مشترک در مقابله با تروریسم تلاش کنند: نخست اینکه، تهدید جدید مجموعه غرب را از نظر هویتی و امنیتی هدف قرار داده بود. دوم اینکه، دو طرف بیشترین همکاریهای سیاسی، اقتصادی و نظامی را باهم داشتند و اصلی‌ترین متحدان یکدیگر بودند. سوم اینکه، حجم بسیار بالای کانال‌های

ارتباطی دو طرف، چه به صورت دریایی و چه به صورت هوایی، میزان آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌داد و لزوم تقویت همکاری‌ها را دوجندان می‌کرد. بنابراین هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا تلاش کردند که همکاری‌های دوجانبه را برای مبارزه با تروریسم گسترش دهند. از آنجا که چگونگی روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب و بویژه اتحادیه اروپا همواره یکی از مهمترین موضوعات پیش‌روی دستگاه سیاستگذاری خارجی ایران بوده است، با مطرح شدن موضوع تروریسم در محاسبات امنیتی غرب، این موضوع به‌نحوی جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است. زیرا از یک طرف، پیوند دادن تروریسم به اسلام از سوی غرب، واکنش جمهوری اسلامی ایران را بر می‌انگیزد و از طرف دیگر، ایران همواره از سوی غرب بویژه آمریکا، به‌عنوان حامی تروریسم مورد اتهام قرار گرفته است. پژوهش حاضر در صدد است تا با ارائه یک تصویر روشن و جامع از حوزه‌های اختلاف و همکاری آمریکا و اتحادیه اروپا، زمینه‌ساز اتخاذ تصمیمات مناسب از سوی دستگاه سیاستگذار خارجی کشور در تعامل خود با غرب باشد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر مبتنی بر شیوه توصیفی و تحلیلی و همچنین مقایسه مواضع و سیاست‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال تروریسم می‌باشد. مبنای این تحقیق عمدتاً منابع دست اول و اسناد آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه مبارزه با تروریسم می‌باشد. اگرچه تاکنون تحقیقات زیادی درباره رویکرد آمریکا و اتحادیه اروپا به تروریسم صورت گرفته است، اما غالب آنها یا تفاوتی بین نگاه این دو، به‌عنوان مجموعه غرب، به تروریسم نمی‌بینند؛ و یا اینکه، اختلافات آنها را بسیار پررنگ‌تر از آنچه که هست، نشان می‌دهند. لذا در این مقاله سعی می‌شود که وجوه اختلاف و اشتراک آمریکا و اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم همراه با مصادیق و علل این اختلاف و اشتراکات مورد بررسی قرار گیرد.

۳- تعاریف و مبانی نظری

امروزه شاهد حضور گسترده تهدیدات، خطرات و آسیب‌های پیچیده امنیتی در زندگی بشری هستیم که کار امنیت بشری را سخت کرده است. یعنی دست‌اندرکاران امنیتی باید حتی کوچکترین عناصر و عوامل آسیب‌زننده به امنیت ملی و ... را هم مدنظر قرار دهند. یکی از مهمترین موضوعاتی که در چند دهه اخیر اذهان سیاستمداران و کارگزاران امنیتی کشورها را به‌خود جلب نموده، مقوله تروریسم می‌باشد. در این بخش از مقاله سعی می‌شود تا به اختصار به تعاریف رایج در مورد این مفهوم و سیر تحول مفهومی آن و نیز جایگاه تروریسم در محاسبات امنیتی غرب پس از ۱۱ سپتامبر پرداخته شود.

۳-۱- تعریف تروریسم

واژه تروریسم از ریشه لاتین به‌معنای ترساندن و وحشت است و در عربی معاصر از لغت ارباب برای معادل آن استفاده می‌شود. واژه تروریسم برای نخستین بار در فرهنگ‌های لغات انگلیسی زبان در سال ۱۷۹۸ درج شد و در مقابل آن چنین آورده شده بود: «استفاده سیستماتیک از ترور به‌منزله نوعی سیاست» (Porsaeid, 2009: 146-147). در واقع، تروریسم نه یک ایدئولوژی است و نه یک جنبش بلکه «روشی» برای رسیدن به اهداف سیاسی محسوب می‌شود. تروریسم به این معنا اگرچه پدیده جدیدی نیست اما در طول دو دهه اخیر هم بر گستره آن افزوده شده است و هم تا حدودی ماهیت آن متحول گشته است. تروریسم، امروزه غالباً به شکل سازمان‌یافته و فراملی انجام می‌گیرد و اثرات تخریبی آن بیش از گذشته است. ماهیت و ابعاد این نوع تروریسم ایجاب می‌کند که کشورها و سازمانهای بین‌المللی برای مقابله با آن همکاری نمایند.

۳-۲- تروریسم؛ چالش امنیتی جدید و اولویت‌دار غرب

تهدید تروریسم برای غرب و بویژه ایالات متحده موضوع جدیدی نیست اما ماهیت تهدیدات ناشی از تروریسم و به تبع آن ادراک و اقدام غرب نسبت به این موضوع، در گذشته کمی

متفاوت بود؛ اگرچه مقابله با تروریسم همواره در قوانین و سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات متحده در چند دهه اخیر مورد توجه بوده است، اما در مجموع می‌توان گفت که تا زمان حملات ۱۱ سپتامبر، سیاستگذاری و مقابله با تروریسم از اهمیت زیادی در محاسبات امنیتی آمریکا برخوردار نبود.

حوادث ۱۱ سپتامبر، جهان را وارد فصل نوینی کرد. زیرا برای نخستین بار ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمون در عرصه بین‌المللی در سرزمین اصلی خود مورد یک تهاجم گسترده و پر تلفات قرار گرفت. این موضوع سبب شد که مبارزه با تروریسم به‌عنوان یک اصل تعیین‌کننده در سیاست خارجی آمریکا مورد توجه قرار بگیرد (Mokhtari, 2008: 184). در واقع، پس از پایان جنگ سرد و از بین رفتن تهدید امنیتی ناشی از شوروی و با وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، تروریسم مهمترین تهدید پیش روی اروپا و آمریکا بوده‌است؛ این موضوع را می‌توان به‌روشنی در اقدامات و استراتژیهای امنیتی آمریکا و اتحادیه اروپا از یک‌سو، و درک افکار عمومی آنها از تهدید ناشی از تروریسم از سوی دیگر مشاهده کرد. بر اساس آمار نظرسنجی صندوق مارشال در سال ۲۰۰۳، تروریسم بین‌المللی مهمترین تهدید بین‌المللی در نزد افکار عمومی اروپا و آمریکا بود؛ به‌طوری که حدود ۷۰٪ آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تروریسم بین‌المللی را موضوعی بسیار مهم دانسته بودند (GMF, 2003:12).

پس از این حملات، ایالات متحده وزارت امنیت داخلی^۱ را ایجاد و اولین استراتژی خود را برای امنیت داخلی در ۱۶ جولای ۲۰۰۲ منتشر کرد که هدف آن بسیج و سازماندهی ملت آمریکا برای تأمین امنیت داخلی این کشور در مقابل حملات تروریستی بود (National Strategy for Homeland Security, 2002:vii). همچنین ایالات متحده در استراتژی امنیت ملی خود در سال ۲۰۰۲، خود را حال جنگ با تروریسم بین‌المللی دانسته بود (US National Security Strategy, 2002:5) و جورج بوش^۲ رئیس‌جمهور وقت آمریکا خود را رئیس‌جمهور جنگ^۳ نامید. آمریکا همچنین قوانین گسترده‌ای را علیه تروریسم وضع کرد؛

1- Homeland Security

2- George Walker Bush

3- President of War

در ژوئن ۲۰۰۲، قانون ضدتروریستی^۱ در حوزه مالی را وضع کرد که بر ممنوعیت جمع‌آوری منابع مالی برای تروریست‌ها، ممنوعیت معامله با تروریست‌ها و عدم ارائه خدمات یا قرار دادن منابع در اختیار تروریست‌ها تأکید می‌کرد. در سال ۲۰۰۲ قانون میهن‌پرستی آمریکا^۲ وضع شد. همچنین قانون امنیت هوایی و حمل و نقل^۳ وضع شد تا مجاری انجام حملات مشابه ۱۱ سپتامبر را، که از طریق خطوط هوایی صورت گرفته بود، کنترل نماید. به‌علاوه حدود بیست آیین‌نامه اجرایی، قطعنامه، بیانیه و قوانین ایالتی درباره تروریسم در داخل آمریکا اعلان شدند که در بسیاری از آنها به‌صورت جداگانه یا مشترک به مفاهیم تروریسم داخلی یا مشترک پرداخته شده بود (Simbar, 2006: 182).

اگر چه حملات ۱۱ سپتامبر در خاک آمریکا رخ داد، اما اتحادیه اروپایی نیز، که به‌خوبی از پتانسیل و آسیب‌پذیری بالای اروپا برای این‌گونه حملات آگاه بود، از این پس تروریسم بین‌المللی را در صدر اولویتهای امنیتی خود قرار داد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، شورای اروپایی یک جلسه فوق‌العاده در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در شهر بروکسل برگزار کرد و پنج اولویت مهم خود در زمینه مبارزه با تروریسم را این‌گونه عنوان نمود: ۱- تقویت همکاری پلیسی و قضایی؛ ۲- توسعه ابزارهای قانونی بین‌المللی در مبارزه با تروریسم؛ ۳- پایان دادن به تأمین مالی تروریسم؛ ۴- تقویت امنیت هوایی؛ ۵- هماهنگ کردن اقدامات جهانی اتحادیه اروپا برای مبارزه با تروریسم (European Council, 2001: 1-4). همچنین در استراتژی امنیتی اروپا که در سال ۲۰۰۳ و به ابتکار خاویر سولانا^۴ تدوین شد، تروریسم یکی از تهدیدات اصلی پیش روی اتحادیه معرفی شد (European Security Strategy, 2003:3). به‌دنبال حملات تروریستی مادرید در سال ۲۰۰۴ و پس از آن حملات ۷ جولای ۲۰۰۵ در لندن، اتحادیه اروپا بیش از پیش به اهمیت تروریسم پی برد و در نوامبر ۲۰۰۵ استراتژی خود را برای مبارزه با تروریسم تدوین نمود. بر اساس این استراتژی، اتحادیه اروپا بایستی در چهار زمینه: پیشگیری

1- Anti-Terrorism Act

2- USA PATRIOT Act

3- Aviation and Transportation Security Act

4- Javier Solana

از گرایش مردم به تروریسم، محافظت از شهروندان و تأسیسات در مقابل حملات تروریستی، تعقیب و محاکمه تروریست‌ها و همچنین تقویت آمادگی برای پاسخ در صورت وقوع حملات تروریستی به مقابله با تروریسم بپردازد (The European Union Counter-Terrorism Strategy, 2005: 3).

۴- یافته‌های تحقیق

اگرچه آمریکا و اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر، تروریسم بین‌المللی را در صدر اولویتهای امنیتی خود قرار داده و تلاش کردند تا انسجام خود برای مقابله با این تهدید را تقویت کنند، اما واقعیت این است که تهدید امنیتی ناشی از تروریسم بین‌المللی با آنچه که در طول جنگ سرد بر روابط فراتلانتیک حاکم بود، تفاوت زیادی داشت؛ تهدید اتحاد جماهیر شوروی و متحدان آن در پیمان ورشو یک تهدید نظامی و عینی بود که کلیت سرزمینی اروپای غربی را در خطر قرار می‌داد که این موضوع، وابستگی اروپایی‌ها به آمریکا را در پی داشت زیرا هیچ کشور دیگری قادر به مقابله با شوروی نبود. اما تهدید ناشی از تروریسم بین‌المللی مبهم‌تر و پیچیده‌تر به نظر می‌رسید؛ دشمن در سایه بود، یک پاسخ صرف نظامی به نظر کافی نمی‌رسید و این واقعیت که ارزیابی خطرات ناشی از تروریسم مشکل بود، به عدم توافق بین دوسوی آتلانتیک منجر شده بود (Rees, 2006:53). مطالعه تلاشهای انجام شده توسط اتحادیه اروپا و آمریکا برای مقابله با تروریسم، بیانگر اختلاف اولیه آنان در برخی حوزه‌هاست: تجربیات متفاوت از تروریسم، قوانین متفاوت برای مقابله با این تهدید، درک متفاوت از عوامل و ریشه‌های تروریسم و تأکید بر ابزارهای متفاوت برای مواجهه شدن با تروریسم، مهمترین حوزه‌های اختلاف آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه مبارزه با تروریسم بودند.

با وجود این، اگرچه تهدید ناشی از تروریسم همانند تهدید ناشی از جانب شوروی شفاف و خطرناک نبود، اما توانست تا حدودی آمریکا و اتحادیه اروپا را متقاعد کند که آنها بار دیگر باید همکاری‌های امنیتی خود را برای مبارزه با یک تهدید خارجی تقویت نمایند. در دوران جنگ سرد آمریکا و اروپا درباره ماهیت تهدید توافق داشتند و می‌پذیرفتند که آسیب‌پذیری

یکی معادل آسیب‌پذیری دیگری است؛ دفاع از اروپای غربی به معنای دفاع از آمریکا بود و حوادث ۱۱ سپتامبر هم به نوعی بطور نسبی به تأیید مجدد فلسفه وجودی روابط فرآتلانتیکی انجامید و این بار نیز همانند دوران جنگ سرد، ترس از وجود «دشمن مشترک» زمینه نزدیکی دوطرف را بویژه در ابعاد امنیتی فراهم نمود و آمریکا و اروپا را نسبت به مزایا و منافع مشترک همکاری در مدیریت مناقشات و اینکه اشتراکات دو طرف بسیار بیشتر از مشترکات هر یک از آنها با سایر حوزه‌های جغرافیایی دیگر جهان است، واقف ساخت. اروپا در اولین واکنش خود به حملات ۱۱ سپتامبر کاملاً همراه و موافق آمریکا بود، برای نخستین بار ناتو از بند ۵ خود استفاده کرد و به اتفاق آراء اعلام نمود که همه اعضاء در وضعیت دفاع مشترک علیه تهدید مشترک به سر می‌برند (Khezri, 2009: 460).

آمریکا و اتحادیه اروپا تهدید ناشی از تروریسم را یک چالش اساسی برای اتحاد فرآتلانتیک می‌دانستند که ارزشها و منافع مشترک آنها را تهدید می‌کند (Mc Namara, 2011:1). بنابراین دو طرف به خوبی از نیاز به همکاری با یکدیگر برای مبارزه با تروریسم آگاه هستند. آمریکا می‌داند که برای جنگ با تروریسم به متحدان خود نیاز دارد. این کشور در استراتژی امنیت ملی خود در سال ۲۰۰۲ بیان می‌کند که برای مقابله بهتر با تروریسم به کمک متحدان خود نیاز دارد و تلاش خواهد کرد تا اتحاد خود را با آنها تقویت کند (US National Security Strategy, 2002:6). علاوه بر آن اتحادیه اروپا معتقد است که برای مبارزه موفق با تروریسم بنیادگرا به یاری دیگران بویژه آمریکا نیازمند است. استراتژی امنیتی اتحادیه اروپا نیز که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، بر تقویت همکاریهای فرآتلانتیکی در مبارزه با تروریسم تأکید نمود؛ این استراتژی بیان می‌کند که روابط فرآتلانتیکی غیرقابل جایگزین است و آمریکا و اتحادیه اروپا در کنار هم می‌توانند یک نیروی خوب و مؤثر در جهان باشند. بنابراین، هدف اتحادیه اروپا باید تقویت مناسباتش با آمریکا برای افزایش قابلیت‌های خود در مبارزه با تروریسم باشد (European Security Strategy, 2003:13).

در این راستا، در طی سالهای اخیر شاهد بوده‌ایم که مواضع و رویکردهای دو طرف در قبال تروریسم بیش از گذشته به یکدیگر نزدیک شده است. این موضوع هم در مواضع اعلامی

و هم در اسناد و استراتژی‌های امنیتی دوطرف و همچنین اقدامات صورت گرفته در مبارزه با تروریسم قابل مشاهده است. در ادامه سعی خواهد شد تا به تشریح بیشتر اختلاف‌ها و همکاری‌های دو طرف بپردازیم.

۵- تجزیه و تحلیل اطلاعات

همان‌طور که گفته شد، آمریکا و اتحادیه اروپا پس از حملات ۱۱ سپتامبر ابتدا در مبارزه با تروریسم اختلافاتی داشتند و پس از آن به مرور زمان همکاری‌های آنها گسترش یافت. در این بخش به تحلیل مهمترین اختلاف‌های آنها و دلایل این اختلاف‌ها خواهیم پرداخت و سپس زمینه‌ها و مصادیق افزایش همکاری‌های دو طرف را شرح خواهیم داد.

۴-۱- تجربیات متفاوت، ادراکات متفاوت

آمریکا و اتحادیه اروپا تجربیات متفاوتی از حملات تروریستی دارند و به یک شکل و میزان قربانی این حملات نبوده‌اند. نگاهی به سوابق حملات تروریستی صورت پذیرفته بر ضد آمریکا و اتحادیه اروپا به‌خوبی این واقعیت را آشکار می‌سازد. مهمترین حملات تروریستی که در چند دهه گذشته بر علیه آمریکا صورت گرفته، در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول شماره ۱: مهمترین حملات تروریستی صورت گرفته بر علیه آمریکا

زمان	محل	مشخصات	عامل (از نظر آمریکا)
۱۸ آوریل ۱۹۸۳	بیروت	انفجار سفارت - ۶۳ نفر کشته شدند که ۱۷ نفر از آنها آمریکایی بود.	گروه جهاد اسلامی مسؤولیت آن را بر عهده گرفت
۲۳ اکتبر ۱۹۸۳	بیروت	بمب‌گذاری و کشته شدن ۲۴۱ مأمور نیروی دریایی آمریکا	به گروه‌های شیعی نسبت داده شد
۱۲ دسامبر ۱۹۸۳	کویت	انفجار سفارت آمریکا - ۵ کشته و ۸۰ زخمی	به بمب‌گذاران انتحاری شیعه نسبت داده شد
۵ آوریل ۱۹۸۶	برلین شرقی	بمب‌گذاری در مرکز تجاری آمریکاییان - دو کشته و صدها زخمی	لیبی
۲۶ فوریه ۱۹۹۳	نیویورک	بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی - ۶ کشته و ۱۰۴۰ زخمی	شیخ عبدالرحمن، رمزی یوسف و القاعده مظنونین اصلی بودند
۲۵ ژوئن ۱۹۹۶	عربستان	بمب‌گذاری در تأسیسات نظامی آمریکا - ۱۹ کشته و صدها زخمی	آمریکا در ژوئن ۲۰۰۱ حزب الله را مسول این حمله دانست
۱۷ اگوست ۱۹۹۸	کنیا و تانزانیا	بمب‌گذاری در سفارتهای آمریکا - ۲۲۴ کشته و ۴۵۰۰ زخمی	القاعده و بن لادن
۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱	نیویورک و واشنگتن	انفجار برجهای دوقلو در مرکز تجارت جهانی و حمله به پنتاگن - ۲۹۹۲ نفر از شهروندان آمریکا کشته شدند	القاعده
۱۴ ژوئن ۲۰۰۲	پاکستان - کراچی	بمب‌گذاری در اطراف کنسولگری آمریکا - ۱۲ کشته	القاعده
۹ نوامبر ۲۰۰۵	عربستان	بمب‌گذاری در سه هتل آمریکایی - مرگ ۵۷ نفر	القاعده
۲۶ می ۲۰۰۸	عراق	حمله انتحاری - مرگ ۶ سرباز آمریکایی و زخمی شدن ۱۸ نفر	-
۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸	یمن	بمب‌گذاری و حمله موشکی به سفارت آمریکا - مرگ ۱۶ نفر	دستگیری ۲۵ عضو القاعده در این زمینه

Source: (www.infoplease.com, December 13, 2011)

تحلیل محتوای حملات تروریستی فوق حاکی از آن است که: اولاً، غالب این حملات در خارج از خاک ایالات متحده صورت گرفته است و عمدتاً سربازان، تأسیسات نظامی، سفارتخانه و کنسولگری یا مراکز مالی و تجاری متعلق به آمریکا را در کشورهای ثالث هدف قرار داده است. نکته دوم و مهمتر اینکه، مظنونان اصلی بیشتر این حملات تروریستی،

گروههای اسلامی یا نیروهای وابسته به آنها معرفی شده‌اند. اما این موضوع درباره اتحادیه اروپایی و کشورهای عضو متفاوت است.

پلیس اروپایی از سال ۲۰۰۷ هر ساله گزارشی را از وضعیت و تعداد حملات تروریستی، بازداشت مظنونین به تروریست و گروههای تروریستی در داخل اتحادیه اروپا ارائه می‌دهد. این گزارش با نام وضعیت و روند تروریسم^۱ گروههای تروریستی در اتحادیه اروپا را به پنج گروه اصلی تقسیم می‌کند: تروریسم اسلامی^۲، گروههای تروریستی جدایی طلب قومیتی^۳، گروههای تروریستی جناح چپ^۴، گروههای تروریستی جناح راست^۵ و تروریسم تک موضوعی^۶ (TE-SAT, 2008:8). جدول شماره ۲ به گزارش‌های پلیس اروپایی در این زمینه، زمینه، تعداد حملات تروریستی و عواملان آنها در اتحادیه اروپا در پنج سال اخیر اشاره دارد:

جدول شماره ۲: مهمترین حملات تروریستی چند سال اخیر در اتحادیه اروپا

عامل حمله	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	مجموع
گروههای اسلامگرا	۱	۴	-	۱	۳	۹
گروههای قومی و جدایی طلب	۴۲۴	۵۳۲	۳۹۷	۲۳۷	۱۶۰	۱۷۵۰
گروههای تروریستی جناح چپ	۵۵	۲۱	۲۸	۴۰	۴۵	۱۸۹
گروههای تروریستی جناح راست	۱	۱	-	۴	-	۶
متفرقه	-	۲۴	۱۱	۱۰	۴۰	۸۵
مجموع	۴۹۸	۵۸۳	۵۱۵	۲۹۴	۲۴۹	۲۰۶۵

Source: (TE-SAT, 2007-2011)

بر اساس جدول فوق مشاهده می‌شود که برخلاف آنچه که تجربه آمریکا از تروریسم نشان داد، حملات تروریستی در اروپا بیشتر توسط گروههای داخلی و بومی صورت گرفته و مرکز این حملات در داخل اتحادیه و کشورهای مختلف اروپایی بوده‌است. بر همین اساس است که

- 1- Terrorism Situation and Trend
- 2- Islamist Terrorism
- 3- Ethno-Nationalist and Separatist Terrorist Groups
- 4- Left-Wing Terrorist Groups
- 5- Wing Terrorist Groups Right
- 6- Single Issue Terrorism

درک و عملکرد اروپا و آمریکا در قبال تروریسم متفاوت می‌باشد. برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی، ایالات متحده تجربه محدودی از تروریسم داخلی داشته است؛ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ فعالیت‌هایی به شکل زیرزمینی انجام می‌شد. بمب‌گذاری گروه‌های مذهبی بنیادگرا، حملاتی به کلینیک‌های سقط جنین^۱ و درگیری‌هایی که به وسیله‌ی جبهه‌ی آزادی زمین^۲ و جبهه آزادی حیوانات^۳ ایجاد شد، از محدود حملات تروریستی توسط گروه‌های داخلی آمریکا بودند. این حملات اندک و در بیشتر موارد محلی بودند (Rees, 2006: 60). بنابراین، دولت آمریکا تمایل داشت تا تروریسم را صرفاً در قالب بنیادگرایی اسلامی تفسیر نماید و بر همین اساس بیشتر لزوم مبارزه فرامرزی با این تهدید را تشویق می‌کرد، اما دیدگاه اتحادیه اروپا تا حدودی متفاوت بود زیرا با توجه به سکونت بیش از ۱۵ میلیون مسلمان در کشورهای اروپایی، رهبران اروپایی نگران این بودند که مبارزات تروریستی به اروپا گسترش یابد و نظریه برخورد تمدن‌ها^۴ تحقق یابد که نتیجه آن عدم ثبات و گسترش ناامنی در مناطق مختلف بود.

تفاوت‌های اساسی در تجربیات آمریکا و اروپا در قبال تروریسم، اولویت‌های نسبتاً متفاوت آنها را در قبال تروریسم تشریح می‌کند؛ ایالات متحده نقش رهبری را در گسترش و تدارک ابزارها و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای جلوگیری یا حداقل کاهش تهدید تروریسم بین‌المللی به عهده گرفت. از سوی دیگر، اروپاییان که تجربیات گسترده‌ای از تروریسم داخلی بویژه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دارند، تمایل زیادی داشتند که در مبارزه با تروریسم بر فرایند قانون‌گذاری و تقویت پلیس و قوه قضائیه (در داخل) برای مجازات تروریست‌ها تأکید کنند (Wilkinson, 2010:132).

۴-۲- اولویت‌های متفاوت، قوانین متفاوت

مبارزه با تروریسم همواره با یک چالش مهم روبرو بوده است و آن تجاوز به حریم خصوصی،

-
- 1- Abortion Clinics
 - 2- Earth Liberation Front
 - 3- Animal Liberation Front
 - 4- Clash of Civilizations

آزادی‌های فردی و در برخی موارد حقوق بین‌الملل است؛ این موضوع که آیا باید حقوق و آزادی‌های شهروندان را در این زمینه در اولویت قرار داد یا اینکه به بهانه تأمین امنیت این مسائل را زیر پا گذاشت، همواره مورد اختلاف اروپا و آمریکا بوده است؛ در واقع، اتحادیه اروپا متأثر از تجربیات و درک خود از تروریسم، این موضوع را در قالب «جرم» می‌بیند و راه مبارزه با آن را تقویت سازمان‌های پلیسی و قضایی می‌داند. اتحادیه اروپا معتقد است که نباید در مبارزه با تروریسم، حقوق و آزادی‌های شهروندان و همچنین قواعد حقوق بین‌الملل نادیده گرفته شوند. اما ایالات متحده از آنجایی که تروریسم را یک «مسأله امنیتی» می‌داند که باید از طریق جنگ حل شود، در مبارزه با تروریسم پایبندی چندانی به این اصول ندارد.

اگرچه مقامات آمریکا و اتحادیه اروپا به‌طور مشترک تأکید می‌کنند که تلاش برای فراهم نمودن امنیت داخلی نباید به قیمت از دست رفتن حقوق اساسی و آزادی‌های مدنی تمام شود و از استانداردهای مشترک درباره حقوق بشر حمایت می‌کنند. با وجود این، چگونگی رفتار با بازداشت شدگان مظنون به تروریسم، اغلب یک نقطه‌ی مورد تنش در روابط اروپا و آمریکا بوده است. این موضوع بویژه در دولت بوش با وجود بازداشتگاه‌های آمریکا در خلیج گوانتانامو^۱ در کوبا، طرح‌های آمریکا برای محاکمه ستیزه‌جویان دشمن قبل از انجام عملیات و استفاده از تکنیک‌های بازجویی پیشرفته، مورد انتقاد گسترده اروپاییان بود. همچنین اقدام آمریکا برای انجام تحویل فوق‌العاده^۲ یا انتقال افراد از یک کشور به کشور دیگر به‌منظور بازجویی خارج از صلاحیت قضایی و تلاش سازمان سیا^۳ برای استقرار بازداشتگاه‌های خود در اروپا مورد انتقاد اروپاییان قرار می‌گرفت (Archick, 2011:16).

اتحادیه اروپا همواره تأکید می‌نمود که تمامی طرح‌های قانونی برای مبارزه با تروریسم باید به منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا^۴ احترام بگذارد. این موضوع بیانگر اولویت حمایت از شهروندان نسبت به مقابله با تروریسم در سیاست‌های اتحادیه اروپا است. ماده ۲۱ پیمان

1- Guantanamo Bay

2- Extraordinary Rendition

3- Central Intelligence Agency (CIA)

4- Charter of Fundamental Rights of the European Union

لیسبون^۱ اعلام می‌کند که اصول حاکمیت قانون مانند محافظت از حقوق بشر و حقوق بین‌الملل خطوط راهنمای اقدام خارجی اتحادیه اروپا هستند (Bendiek, 2011:3). به‌طور کلی مهمترین حوزه‌های اطلاعاتی و عملیاتی مورد اختلاف اتحادیه اروپا و آمریکا در مبارزه با تروریسم عبارت بودند از: به اشتراک گذاشتن اطلاعات انجمن مخابرات مالی بین بانکی در سراسر جهان، تبادل اطلاعات و مشخصات شخصی مسافران^۲ هوایی، بازداشتگاههای غیرقانونی و استرداد فوق‌العاده مظنونین تروریستی.

تجربیات متفاوتی که دو طرف از تروریسم داشتند و نوع ادراک آنها در قبال این تهدید باعث شد تا نوع قوانین و اقداماتی که آنها برای مقابله با این تهدید اعمال می‌کنند، نیز متفاوت باشد. در این راستا، اتحادیه اروپا تروریسم را بیشتر یک تهدید «داخلی» تلقی می‌کرد که باید با آن به‌مثابه «جرم» برخورد کرد (The European Union Counter-Terrorism Strategy, 2005: 2-6). در حالی که ایالات متحده تروریسم را یک تهدید «خارجی» می‌دانست که به‌عنوان یک «جنگ» باید به آن نگریست (US National Strategy for Combating Terrorism, 2006: 1 and US National Security Strategy, 2002: 5). متأثر از این نوع نگاه، نحوه مواجهه با تروریسم از دید دو طرف نیز متفاوت بود؛ در حالی که ایالات متحده بر حمله پیشگیرانه در مقابله با تروریسم تأکید می‌کرد، بیشتر اقدامات و ابتکارات اتحادیه اروپا در این زمینه به‌صورت واکنشی بوده است (Armitage, 2007:10).

با وجود اختلاف‌های اولیه آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه مقابله با تروریسم، به‌تدریج از میزان این اختلاف‌ها کاسته شد و دو طرف تلاش کردند تا با هماهنگی و انسجام بیشتری به مقابله با این تهدید بپردازند. اوج گرفتن اختلاف‌های دو طرف در زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و تیرگی روابط برخی کشورهای اروپایی با ایالات متحده، بروز مشکلات فراوان در عراق پس از اشغال این کشور توسط آمریکا و متحدانش و اذعان دو طرف به لزوم تقویت همکاری‌ها در این زمینه، تغییر در رهبران برخی کشورهای دو طرف آتلانتیک و بویژه

1- Lisbon Treaty

2- Passenger Name Record

روی کارآمدن اوباما، زمینه را برای گسترش همکاری‌های دوطرف در مقابله با تروریسم فراهم نمود. مهمترین جلوه‌های این همکاری‌ها را می‌توان در قالب گفتگوها و مواضع مشترک و اقدامات صورت گرفته توسط دو طرف در مبارزه با تروریسم در سالهای اخیر مشاهده نمود.

۴-۳- اتخاذ مواضع مشترک

علی‌رغم اینکه آمریکا و اتحادیه اروپا از اختلافات خود در زمینه مبارزه با تروریسم به‌خوبی آگاه هستند، همواره سعی کرده‌اند که در ظاهر موضع و رویکرد مشترک خود را در این زمینه حفظ نمایند. در راستای تلاش برای تقویت همکاری و هماهنگی کردن مواضع، آمریکا و اتحادیه اروپا در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۴ بیانیه مشترک خود را در مبارزه با تروریسم منتشر کردند و در آن متعهد شدند که:

- با همدیگر برای تعمیق اجماع بین‌المللی و تقویت تلاشهای بین‌المللی در جهت مبارزه با تروریسم تلاش کنند؛

- بر تعهد کلی خود برای جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به منابع مالی و اقتصادی تأکید مجدد نمودند؛

- متعهد شدند که با یکدیگر برای توسعه اقدامات لازم برای جهت افزایش دادن قابلیت‌های خود برای کشف، تحقیق و تعقیب تروریست‌ها و جلوگیری از حملات تروریستی همکاری کنند؛

- برای محافظت بیشتر از حمل و نقل بین‌المللی و تضمین کنترل‌های مؤثر مرزی تلاش کنند؛

- برای ارتقاء توانمندی‌های خود در صورت مواجهه با پیامدهای یک حمله تروریستی تلاش کنند؛

- برای از بین بردن شرایط و زمینه‌های رشد تروریسم با یکدیگر تلاش کنند؛

- به کشورهای ثالث که نیازمند کمک در مبارزه با تروریسم هستند، کمک نمایند (EU-U.S

Declaration on Combating Terrorism, 2004: 2-8).

همچنین دو طرف در بیانیه مشترک خود در سال ۲۰۰۵ درباره گسترش همکاریهای خود

در مبارزه با تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی، اعلام نمودند که «مبارزه با تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی، بخصوص با توجه به اینکه این سلاحها می‌توانند در دسترس تروریست‌ها قرار بگیرند، بزرگترین چالش امنیتی ما باقی می‌ماند». در این بیانیه، آمریکا و اتحادیه اروپا بر همکاری در اقدامات خود برای مبارزه با تروریسم با احترام کامل به حقوق بشر، آزادیهای بنیادین و حکومت قانون تأکید کردند. همچنین دوطرف تمایل خود را برای تقویت همکاریهای دوجانبه در راستای توسعه روندهای کارآمد و کامل کنترل مرزی، پروازهای امن‌تر، تماس بیشتر بین نهادهای اجرای قانون دوطرف، تقویت مبادله اطلاعات، تقویت همکاریهای پلیسی و قضایی و تلاش مشترک برای تأمین مالی تروریسم اعلام نمودند (Council of The European Union, 2005: 2,3).

با روی کار آمدن اوباما مواضع آمریکا و اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم بیشتر به هم نزدیک شد و همکاری‌ها در این زمینه افزایش یافت. از اواسط سال ۲۰۰۹ تاکنون، چهار بیانیه مشترک بین مقامات آمریکا و اتحادیه اروپا درباره تروریسم منتشر شده است؛ بیانیه نخست در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹ منتشر شد و توافقاتی را درباره زندان گوانتانامو و همکاری آینده در مبارزه با تروریسم بر مبنای حقوق بین‌الملل و احترام به حقوق بشر دربر می‌گرفت (Council of the European Union, 15 June 2009). چهار ماه بعد، یک بیانیه مشترک با هدف تقویت همکاری فرآتلاتتیکی در حوزه عدالت، آزادی و امنیت منتشر شد (Council of the European Union, 29 October, 2009). در ۲۱ ژانویه سال ۲۰۱۰، بیانیه مشترک در زمینه امنیت هوایی منتشر شد که مواضع مشترکی را در مقابله با وقوع حملات تروریستی به خطوط هوایی بیان می‌کرد (Council of the European Union, 10 February 2010).

در بیانیه مشترک دوطرف در سال ۲۰۱۰ اعلام می‌شود که، تلاشهای اتحادیه اروپا و آمریکا در مبارزه با تروریسم باید مطابق با ارزشهای بنیادین آنها و با احترام به حق حاکمیت دولت‌ها و همچنین حاکمیت قانون باشد. در این چارچوب، آمریکا و اتحادیه اروپا در این موارد به توافق رسیدند:

- تأیید اینکه تروریسم جدی‌ترین تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی است؛

- تأکید بر اینکه تروریسم به مثابه یک جرم تلقی شود و تحت هیچ شرایطی به آن نگاه مذهبی، نژادی، قومی و ایدئولوژیکی نداشته باشند؛
- تأکید بر اینکه هم در حمایت از قربانیان تروریسم و هم در دستگیری و محکومیت عاملان حملات تروریستی اصل حاکمیت قانون رعایت شود؛
- تأکید بر اینکه هر اقدامی از سوی دولت‌ها برای مقابله و جلوگیری از تروریسم از جمله همکاری بین‌المللی، باید با تعهدات آن دولت تحت قوانین بین‌المللی بویژه حقوق بشر و حقوق پناهندگان سازگار باشد؛
- تأکید مجدد طرفین بر تعهد خود مبنی بر ممنوعیت شکنجه و رفتار ظالمانه و غیرانسانی؛
- تأکید بر اهمیت تلاشهای مداوم برای تضمین اینکه همه مظنونین به تروریسم در یک چارچوب قانونی قرار می‌گیرند و فرایند صحیح قانونی را طی می‌کنند؛
- تعهد به تداوم همکاری با یکدیگر از طریق نشست‌های سالانه بین اتحادیه اروپا و آمریکا (Council of the European Union, 2010: 1,2).

۴-۴- گسترش گفتگوها و مذاکرات دوجانبه در راستای مبارزه با تروریسم

تماسهای بین مقامات اتحادیه اروپا و آمریکا در حوزه‌های پلیسی، قضایی و کنترل مرزی پس از ۱۱ سپتامبر افزایش یافته است و این موضوع یک نقش حیاتی در توسعه همکاری‌های بیشتر دوطرف در مبارزه با تروریسم داشته است. وزارت امور خارجه، دادگستری، امنیت داخلی و خزانه‌داری آمریکا به‌طور فعال در این فرایند درگیر بوده‌اند. وزیر امور خارجه، دادستان کل و وزیر امنیت داخلی با هم‌تایان خود در اتحادیه اروپا سالی حداقل یکبار ملاقات کرده‌اند. همچنین گروه کاری اتحادیه اروپا - آمریکا متشکل از مقامات ارشد هر شش ماه یکبار برای بحث درباره همکاری پلیسی و قضایی بر ضد تروریسم ملاقات کرده‌اند. به‌علاوه، ایالات متحده و اتحادیه اروپا یک گفتگوی منظم در زمینه تأمین مالی تروریسم را توسعه داده‌اند و یک گفتگوی سیاسی سطح بالا درباره امنیت مرزی و حمل و نقل برای بحث در حوزه موضوعاتی مانند به اشتراک گذاشتن اطلاعات مسافران، امنیت محموله‌های دریایی، سیاست

روادید و گارد هوایی را پایه‌گذاری کرده‌اند. در سال ۲۰۱۰، مقامات اتحادیه اروپا و آمریکا گفتگوهای در سطح کارشناسی درباره حمایت از زیرساخت‌های حیاتی و جلوگیری از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را آغاز کرده‌اند. همچنین نهادهای اتحادیه اروپا و آمریکا، ارتباط از طریق رابط‌های متقابل را گسترش داده‌اند؛ پلیس اروپایی^۱ دو مأمور رابط به واشنگتن دی سی فرستاده است و ایالات متحده یک افسر اف بی آی^۲ را در لاهه مستقر کرده تا با پلیس اروپایی در زمینه مبارزه با تروریسم همکاری کند (Archick, 2011:4).

در راستای گسترش گفتگوهای طرفین در زمینه مبارزه با تروریسم، گفتگوی فرآتلانتیک درباره تروریسم^۳ از سال ۲۰۰۳ در بین کارشناسان آمریکا و اتحادیه اروپا شکل گرفت. هدف این گفتگوها این بود که اولویتهای مشترک مبارزه با تروریسم را در بین آمریکا و اتحادیه اروپا مشخص نماید و همچنین حوزه‌هایی که دوطرف بر سر آن اجماع ندارند مورد شناسایی قرار دهد. این گفتگو در بین گروه‌های کثیری از محققان، متخصصان امنیتی و اطلاعاتی، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران برجسته دوطرف برگزار می‌شود. تاکنون سه مرحله از این مذاکرات که آخرین آنها در فوریه ۲۰۰۷ برگزار شد، صورت گرفته است (CSIS, 24 October, 2011).

۴-۵- مبارزه مشترک با تأمین مالی تروریسم

آمریکا و اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر توجه فزاینده‌ای به مبارزه با تأمین مالی تروریسم داشته‌اند. در این راستا، همکاری‌های دوطرف در دو زمینه بود: ۱- مسدود کردن دارایی‌های سازمانهایی که با تروریسم مرتبط هستند؛ ۲- افزایش شفافیت مبادلات مالی به‌گونه‌ای که تروریست‌ها نتوانند فعالیت‌های خود را مخفی کنند. اگرچه اروپا و آمریکا اختلافاتی را نیز در این زمینه داشتند اما وقتی در ژوئن ۲۰۰۴ دوطرف توافق کردند که یک گفتگوی منظم درباره تأمین مالی تروریسم برگزار کنند، همکاریها در این زمینه افزایش یافت (Rees, 2006: 100-101). مهمترین ابزار اتحادیه اروپا و آمریکا برای مقابله با منابع مالی گروههایی که به زعم آنها

1- European Police Office
2- Federal Bureau of Investigation
3- Transatlantic Dialogue on Terrorism

تروریستی هستند، تحریم این گروهها است. آمریکا و اتحادیه اروپا امروزه فهرست‌های جداگانه‌ای از گروههای تروریستی دارند که بر اساس آن اقدام به تحریم این گروهها می‌نمایند. اما نکته حائز اهمیت این است که دوطرف در تهیه لیست‌های تروریستی با یکدیگر هماهنگ هستند و موارد مشترک زیادی در این لیست‌های تروریستی دیده می‌شود (Official Journal of the European Union, 2009: 38-42 and US Office of Coordinator for Counterterrorism, September 15, 2011).

۶-۴- تقویت همکاری در زمینه امنیت هوایی و حمل و نقل

روزانه حجم بسیار گسترده‌ای از پروازهای هوایی بین اروپا و آمریکا انجام می‌گیرد. از زمان وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، که به وسیله هواپیما و از طریق خطوط هوایی صورت گرفت، آمریکا و اتحادیه اروپا تلاش نموده‌اند تا اقداماتی را در زمینه تقویت امنیت هوایی انجام دهند. در ماه می ۲۰۰۴، اتحادیه اروپا و آمریکا به یک توافق اولیه دست یافتند که براساس آن شرکت‌های هواپیمایی مجاز بودند ظرف ۱۵ دقیقه پس از پرواز، اطلاعات مسافران (شامل عکس، مشخصات، DNA و ...) را در اختیار مقامات آمریکایی قرار دهند. اتحادیه اروپا همواره نگران این بود که استفاده از این اطلاعات، حقوق و آزادیهای فردی را نقض کند. اما کمیسیون اروپا در سپتامبر ۲۰۱۰ در استراتژی جهانی خود برای اطلاعات مسافران^۱ اعلام نمود که این اطلاعات باید صرفاً در راستای مبارزه با تروریسم و سایر جرایم فرامرزی مورد استفاده قرار بگیرند و مسافران حق داشته باشند که در صورت هرگونه خسارت، برای جبران به مراجع قضایی رجوع کنند (Archick, 2011:10). پس از آنکه تلاش یک مسافر نیجریه‌ای در دسامبر ۲۰۰۹ برای منفجر کردن یک هواپیما در خطوط هوایی اروپا و آمریکا با شکست مواجه شد، تلاشها و همکاریهای اروپا و آمریکا در این زمینه تقویت شد و با انتشار یک اعلامیه مشترک در ژانویه ۲۰۱۰ متعهد شدند که برای تقویت امنیت حمل و نقل هوایی جهان تلاش و همکاری کنند. در بیانیه مذکور دوطرف بر سر دستیابی به اهداف ذیل توافق کردند:

۱- شناسایی افرادی که امنیت پروازهای هوایی را تهدید می‌کنند از طریق دستگاههای بیومتریک، که چهره و مشخصات کامل مسافران را نشان می‌دهد، و غربالگری مسافران^۱، یا نمایش بدن مسافران، و ممانعت از پرواز این افراد؛ ۲- شناسایی مواد غیرقانونی که این افراد در پرواز حمل می‌کنند؛ ۳- همکاری با سایر شرکای جهانی برای اعمال تغییرات ضروری جهت تقویت امنیت رژیم‌های هوایی آنها؛ ۴- تداوم همکاری با یکدیگر و سایر شرکای بین‌المللی در سطح وزرا در راستای امنیت بیشتر مسافرت بین‌المللی (Council of the European Union, 10 February, 2010: 3).

یکی دیگر از حوزه‌های تقویت امنیت حمل و نقل بین آمریکا و اتحادیه اروپا، امنیت محموله‌های کانتینری بود که از طریق دریا و از اروپا وارد خاک آمریکا می‌شوند. حجم بسیار وسیعی از تجارت اروپا و آمریکا از این طریق صورت می‌گیرد. پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا نگران بود که از این طریق سلاحهای کشتار جمعی یا مواد خطرناک وارد خاک این کشور شوند. بنابراین، اداره محافظت مرزی و گمرکی آمریکا در سال ۲۰۰۲ طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن تمامی کانتینرهایی که وارد آمریکا می‌شوند باید قبل از رسیدن و در صورت امکان در بندر مبدأ مورد بازرسی قرار بگیرند. آمریکا و اتحادیه اروپا در این مورد اختلاف چندانی نداشتند و در آوریل ۲۰۰۴ یک توافقنامه مرزی امضاء کردند که خواستار گسترش ابتکار امنیت کانتینری آمریکا در کل اروپا بود. بر اساس این طرح، مأموران گمرک آمریکا را در بندرهای اروپایی مستقر می‌شدند تا بتوانند محموله‌هایی را که به مقصد آمریکاست نمایش دهند و اطمینان یابند که این محموله‌ها شامل مواد منفجره و سلاحهای کشتار جمعی نیست. بسیاری از بندرهای اروپایی با این طرح موافقت کردند (Archick, 2011: 15).

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پس از رویداد ۱۱ سپتامبر، مشخص شد که نگرش‌ها و سیاست‌های دو طرف آتلانتیک (آمریکا و اتحادیه اروپا) در قبال تروریسم، در عین اشتراکات دارای افتراقاتی نیز می‌باشد. با توجه به

سابقه همکاری‌های امنیتی و سیاسی دوطرف در طول جنگ سرد، چنین تصور می‌شد که جهانیان شاهد موضع واحد و یکپارچه اروپا و آمریکا در قبال تروریسم به‌عنوان یک تهدید امنیتی جدید خواهند بود اما تحولات بعدی نشان داد که از یک سو، تهدید جدید (تروریسم) هم از لحاظ ماهیت و هم از لحاظ پیچیدگی، متفاوت از تهدید قبلی (شوروی) است و از سوی دیگر، هر یک از طرفین در مبارزه با تروریسم الزامات، ملاحظات و محدودیت‌های خاص خود را دارند که این موضوع، رسیدن به اجماع نظر و عمل را در بین آنها دشوار می‌ساخت.

گرچه اتحادیه اروپا بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر، حمایت و همبستگی کامل خود را با آمریکا اعلام کرده و از حمله نظامی این کشور به افغانستان حمایت نمود و همچنین هم‌صدا و هم‌نوا با ایالات متحده، تروریسم را اصلی‌ترین چالش امنیتی خود معرفی کرده و بر همکاری با آمریکا برای مقابله با این چالش تأکید نمود اما با وجود این، به تدریج مشخص شد که اتحادیه اروپا و آمریکا دارای اختلافات اساسی در این زمینه هستند. درک و تعریف از تروریسم، ابزار مقابله با آن، جایگاه حقوق بشر و آزادیهای شهروندان در مبارزه با تروریسم حوزه‌هایی بودند که اختلاف دوطرف را به‌خوبی نمایان ساختند. البته به‌نظر می‌رسد که این اختلافات به مرور زمان کاهش یافت؛ از یک سو، اتحادیه اروپا بیش از گذشته به تروریسم بین‌المللی به‌عنوان یک چالش امنیتی جدی می‌نگرد و از سوی دیگر، نگاه آمریکا به تروریسم و نحوه مقابله با آن نیز تا حدودی تغییر یافته است.

این حملات ۱۱ سپتامبر بود که توجه جدی اروپا را به این پدیده معطوف ساخت اما آنچه که اقدامات اتحادیه اروپا را در زمینه مبارزه با تروریسم تقویت نمود، از یک طرف پتانسیل بالای اروپا برای وقوع این حملات در آن و از طرف دیگر بویژه وقوع حملات تروریستی مادرید (۲۰۰۴) و لندن (۲۰۰۵) بودند. تدوین لیست گروهها و افراد تروریستی، تدوین استراتژی مبارزه با تروریسم، مبارزه با بنیادگرایی و تأکید بر ضرورت تقویت همکاری فرآتلانتیک در مبارزه با تروریسم همه از جمله اقداماتی بودند که رویکرد اتحادیه اروپا را به آمریکا نزدیک کرده و زمینه‌ساز گسترش همکاری‌های آنان در این زمینه شد. آمریکا نیز امروزه

بیشتر از گذشته به محدودیت نیروی نظامی برای مقابله با تروریسم پی برده و دولت اواما پابندی بیشتری به حقوق و قوانین بین‌المللی در مبارزه با تروریسم از خود نشان می‌دهد. آمریکا وضعیت جنگی با تروریسم را که سالها مطلع استراتژی امنیتی خود بود، کنار گذاشته و تلاش می‌کند که کاربرد نیروی نظامی را در این حوزه محدود نماید و عمدتاً به مقابله با ریشه‌های تروریسم بپردازد. اواما جهت اثبات تغییر نگرش آمریکا نسبت به این مقوله، ضمن تأکید بر تقویت همکاریهای فراآتلانتیکی در مبارزه با تروریسم، شکنجه مظنونان را ممنوع اعلام کرده، تروریسم را صرفاً به اسلام و مسلمانان محدود ندانسته و برای بستن زندان گوانتانامو، که همواره مورد اعتراض اروپاییان بوده، تلاشهای زیادی انجام داد. همه این تغییرات در رویکرد آمریکا به معنای حرکت به سمت رویکرد اروپایی در زمینه چگونگی مواجهه با پدیده تروریسم بوده و به نظر می‌رسد که در آینده نیز شاهد همکاری بیشتر و نزدیکتر آمریکا و اتحادیه اروپا در مقابله با تروریسم باشیم.

۷- قدردانی

این پژوهش با استفاده از اعتبار پژوهشی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) انجام شده است، لذا نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به دلیل حمایت مالی و از داوران محترم مقاله به خاطر ارائه نقطه نظرات و پیشنهادات اصلاحی‌شان، تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. A Secure Europe In A Better World: European Security Strategy, (2003), at: <http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cmsUpload/78367.pdf>.
2. Archick Kristin (2011), U.S.-EU Cooperation Against Terrorism, Congressional Research Service Report for Congress, July 18.
3. Armitage Jr Daivid T (2007), U.S. and EU Efforts to Fight Terrorism: Same Ends Different Means or Same Means Different Ends?, European Union's Studies Association Conference, may 17-19, Montréal, Canada.
4. Bendiek Annegret (2011), Transatlantic Cooperation in the Fight against Terrorism: Problems and Conclusions, at: http://euce.dal.ca/Files/Annegret_Bendiek_paper_for_5th_EUCE_Conference_2011.pdf.
5. Brimmer Esther (2006), Transforming Homeland Security: U.S. and European Approaches, Center for Transatlantic Relations.
6. Concerning restrictive measures against Iran and repealing Common Position 2007/140/CFSP ", Official Journal of the European Union, 27 July, 2010, pp.39-73 available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:L:2010:195:0039:0073:EN PDF>.
7. COUNCIL COMMON POSITION (2009), Official Journal of the European Union, at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:L:2009:023:0037:0042:EN PDF>.
8. Council of the European Union (2004), "EU-U.S. Declaration on Combating Terrorism," June 26, 2004, at: http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cmsUpload/10760EU_US26.06.04.pdf.
9. Council of the European Union, EU-U.S. and Member States 2010 Declaration on Counterterrorism, June 3, 2010, at: http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/jha/114874.pdf.
10. European Parliament Resolution on the Alleged use of European countries by the CIA for the Transportation and Illegal detention of Prisoners (2009), Official Journal of the European Union, at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:C:2010:076E:0051:0054:EN PDF>.
11. EU-U.S Declaration on Combating Terrorism (2004), at: http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cmsUpload/10760EU_US26.06.04.pdf.
12. EU-U.S Declaration on Enhancing Cooperation in the Field of Non Proliferation and the Fight Against Terrorism (2005), Council of the European Union, at: <http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cmsUpload/85384.pdf>.
13. EU-U.S. and Member States 2010 Declaration on Counterterrorism", Council of the European Union, 3 June 2010, at: http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_Data/docs/pressdata/en/jha/114874.pdf.

14. Extraordinary European Council - Brussels, 21 September 2001, available at: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:C:2002:087E:0216:0219:EN.PDF>.
15. Foreign Terrorist Organizations (2011), US Office of Coordinator for Counterterrorism, at: <http://www.state.gov/s/ct/rls/other/des/123085.htm>.
16. Khezri, Roya (2009), European Policy Towards American Role In The Framework Of Transatlantic Relations: Liberal Hegemon Or Imperialist, Foreign Policy, Vol. 2, No.2 [in Persian].
17. Mladenov Nickolay (2010), The West and terrorism: opportunities and challenges for a common transatlantic response", European View, No.9, pp.229-232.
18. Mokhtari, Ali (2008), The Position of Fight Against Terrorism In The American Foreign Policy (2000-2007), Rahbord, Vol. 48, No. 2 [in Persian].
19. National Strategy for Homeland Security (2002), available at: http://www.dhs.gov/xlibrary/assets/nat_strat_hls.pdf
20. Rees Wyn (2006), Transatlantic-Counter Terrorism Cooperation: the new imperative, Routledge Taylor & Francis Group, pp.228-244.
21. Sally McNamara (2011), The EU-U.S. Counterterrorism Relationship: An Agenda for Cooperation, Backgrounder, No 2528, Published by The Heritage Foundation.
22. Simbar, Reza (2009), Analysis On The Various Views Over The Terrorist Attacks Against The West, Geopolitics, Vol1 , No.2 [in Persian].
23. TE-SAT: Terrorism Situation and Trend (2007), available at: <http://www.ikhwanweb.com/uploads/lib/7MRCWCQYHN9MKZW.pdf>.
24. TE-SAT: Terrorism Situation and Trend (2008), available at: <https://www.europol.europa.eu/sites/default/files/publications/tesat2008.pdf>.
25. TE-SAT: Terrorism Situation and Trend (2009), available at: https://www.europol.europa.eu/sites/default/files/publications/tesat2009_0.pdf.
26. TE-SAT: Terrorism Situation and Trend (2010), available at: <http://consilium.europa.eu/uedocs/cmsUpload/TE-SAT%202010.pdf>.
27. TE-SAT: Terrorism Situation and Trend (2011), available at: <https://www.europol.europa.eu/sites/default/files/publications/te-sat2011.pdf>.
28. Terrorist Attacks in the U.S. or Against Americans, (2013), at: <http://www.infoplease.com/ipa/A0001454.html>.
29. The European Union Counter-Terrorism Strategy (2005), Council of the European Union, Brussels, 30 November, at: http://consilium.europa.eu/uedocs/cmsUpload/Factsheet_guantamo_EN.pdf.
30. The European Union Ready to Help US in Closing Guantanamo, (2009), Council of the European Union, 15 June, at: http://consilium.europa.eu/uedocs/cmsUpload/Factsheet_guantamo_EN.pdf.
31. The National Security Strategy of the United States of America (2002), available at: <http://merln.ndu.edu/whitepapers/USnss2002.pdf>.

32. Transatlantic Dialogue on Terrorism (2011), center for Strategic and International Studies, at: <http://csis.org/programs/europe-program/transatlantic-dialogue-terrorism>.
33. Transatlantic Trends (2003), GMF, Available at: <http://www.scribd.com/doc/37566890/Transatlantic-Trends-2003>.
34. US National Strategy for Combating Terrorism (2003), at: http://www.globalsecurity.org/security/library/policy/national/counter_terrorism_strategy.pdf.
35. US National Strategy for Combating Terrorism, September (2006), at: http://www.globalsecurity.org/security/library/policy/national/nsct_sep2006.pdf.
36. Wilkinson Paul (2010), Terrorism, in The Routledge Handbook of Security Studies, pp. 129-139.
37. Yazdan Panah Dero, Keyomars (2009), Changes In The Security Geopolitics Models In the Present Age, Geopolitics, Vol.5, No.2 [in Persian].